



مناظره

مناظره، مکالمه و گفت‌وگویی است دوطرفه که هر طرف با [استدلال](#) و ارائه براهین سعی می‌کند برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات رساند. هدف اصلی از مناظره آن است که دو طرف گفت‌وگو، به یاری یکدیگر، به کشف [حقیقت](#) نایل آیند و مشکلی را بگشایند.

فهرست مندرجات

- ۱ - [معنای لغوی و اصطلاحی](#)
- ۲ - [دیدگاه خواجه نصیر و ابن‌سینا](#)
- ۳ - [مناظره از لحاظ تاریخ فلسفه](#)
- ۴ - [تفاوت جدل و مناظره](#)
- ۵ - [کاربرد مناظره در ادبیات فارسی](#)
 - ۵.۱ - [خالق مناظره در شعر فارسی](#)
 - ۵.۲ - [مناظره مغ و مسلمان](#)
- ۶ - [مناظرات شاعران معاصر](#)
 - ۶.۱ - [مناظره‌ای از پروین اعتصامی](#)
 - ۶.۲ - [مناظره‌ای از مولوی](#)
 - ۶.۳ - [مناظره‌ای از سعدی](#)
- ۷ - [پانویس](#)
- ۸ - [منبع](#)

معنای لغوی و اصطلاحی

مناظره در [لغت](#) «مباحثه کردن درباره [حقیقت](#) و ماهیت چیزی، یا با هم سوال و جواب کردن است»

^[۱] دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، موسسه دهخدا، تهران، بی‌تا، ذیل واژه‌ی مناظره.

و به تعبیر دیگر مکالمه و گفت‌وگویی است دوطرفه که هر طرف با [استدلال](#) و ارائه براهین سعی می‌کند برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات رساند.

^[۲] انواع ادبی، شمیسا، سیروس، تهران، میترا، ۱۳۸۵، ص ۲۲۴.

در اصطلاح دانشمندان اسلامی، مقصود از بحث آن است که «اثبات حکم ثبوتی یا سلبی کنند به دلیل» و مراد از مناظره آن است که «[دو خصم](#) نظر کنند در حکم و مسأله‌ای به قصد آن‌که صواب پیدا شود».

^[۳] مشکوه، محمد، آداب البعث، ج ۱، ص ۲۷، سالنامه پارس، تهران، ۱۳۲۴ ش.

گاهی به جای آداب المناظره، اصطلاح آداب البعث به کار رفته است و در تعریف آن گفته‌اند: «صناعتی است نظری که [انسان](#) را به کیفیت مناظره و شرایط آن آشنا سازد، تا در بحث و الزام و غلبه بر خصم خطا نکند».

^[۴] [شریف جرجانی، علی بن محمد، التعلیفات، ج ۱، ص ۱۵، قاهره، مصطفی البابی الحلبي، ۱۳۵۷ ق.](#)

هدف اصلی از مناظره آن است که دو طرف گفت‌وگو، به یاری یکدیگر، به کشف حقیقت نایل آیند و مشکلی را بگشایند.

دیدگاه خواجه نصیر و ابن‌سینا

به گفته [خواجه نصیر الدین طوسی](#): «مناظره میان دو صاحب رأی متقابل بود که هر یک متکفل بین رأی خود باشند، به شرط آن‌که هر دو، بعد از وضوح، مساعدت حق کنند؛ و مباحثه استکشاف غمضی بود به طریق تعاون».

^[۵] [نصیر الدین طوسی، محمد بن حسن، اسلس الاقتباس، ص ۴۴۸، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ش.](#)

سخن خواجه برگرفته از [ابوعلی سینا](#) است که می‌گوید: «مناظره از نظر گرفته شده است، پس، هدف از آن بحث درباره دو رأی متقابل متکفل است، یعنی آنکه، هر یک از دو مخاطب متکفل یکی از آن دو رأی گردد، تا برای هردو شدن فرد محق آشکار شود و دومی او را در راه صواب یاری کند. پس هدف این دو نیز چیزی جز حصول [علم](#) نباشد».

^[۶] [ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله، الشفاء \(منطق\)، ج ۱، ص ۱۵-۱۶، به کوشش احمد فواد اهوایی، قاهره، وزاره التربیة و التعليم، ۱۳۷۵ ق.](#)

چنانکه از سخن ابوعلی بر می‌آید، هدف از مناظره، **مشاجر** یا **مجانله** یا تحقیر و فریب‌دادن طرف گفت‌وگو نیست، زیرا در مناظره دو نفر که به دو عقیده متقابل معتقدند، با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند بی‌آنکه قصد فریفتن همدیگر را داشته باشند، بلکه غرض اصلی آن‌ها کشف حقیقت است و همین‌که حق بودن یکی از دو طرف نفیض معلوم شد، طرف مخالف آن را می‌پذیرد.

در توضیح این نکته، خواجه نصیرالدین یادآور می‌شود که مناظره و مباحثه را نباید با **معانده** و **مغالطه** اشتباه کرد و یکی گرفت، زیرا «غرض معاند اظهار نقصان مخاطب و تفحیم متن: تفحیم؟ (او بود و غرض مغالط تمویه و تلبیس بر او)».

[۱۷] **نصیرالدین طوسی، محمد بن حسن، اسس الاقتباس، ص ۴۴۸، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ش.**

مناظره از لحاظ تاریخ فلسفه

از لحاظ **تاریخ فلسفه**، مناظره - در معنای درست و دقیق آن - همان روش **دیالکتیک سقراط** است که در نوشته‌های افلاطون به اوج خود رسیده است. بعدها **ارسطو** قواعد این فن را مدون ساخت و به این ترتیب **رساله توبیقا** یا **طوبیقا** یعنی «مواضع» پدید آمد. به گفته خواجه «معلم اول»، کتابی را که بر این فن مشتمل است، کتب مواضع خوانده است و آن معنی لفظ طوبیقا است، چه اکثر این کتب مشتمل بر نکات مواضع باشد».

[۱۸] **نصیرالدین طوسی، محمد بن حسن، اسس الاقتباس، ص ۴۵۱، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ش.**
این مبحث همان است که در پیش‌تر کتب‌های منطقی، به پیروی از ابوعلی سینا، فن جدل نامیده شده است.

تفاوت جدل و مناظره

نکته دیگر این‌که مؤلفان اسلامی معمولاً جدل و مناظره را در ارتباط با یکدیگر مطرح ساخته و گاهی آداب المناظره را ذیل کتاب الجدل آورده‌اند، چنانکه خواجه نصیر طوسی در کتب‌های **الجواهر المتضید** و **اسس الاقتباس** به همین طریق عمل کرده است. با این‌همه، جدل و مناظره تفاوت ظریفی با یکدیگر دارند که خواجه نصیر خود نیز متذکر آن شده است. وی می‌گوید: «چون مقصود از جدل الزام غیر است، لامحاله مشتمل بود بر نزاعی، و در اغلب احوال جدل را به استعمال نوعی از عناد و احتیال احتیاج افتد».

[۱۹] **نصیرالدین طوسی، محمد بن حسن، اسس الاقتباس، ص ۴۴۷، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ش.**

کاربرد مناظره در ادبیات فارسی

کاربرد شیوه مناظره یا سؤال و جواب کردن در **ادبیات فارسی** سابقه‌ای طولانی دارد؛ چنان‌که در آثار باقی‌مانده از **زین‌پهلوی**، خصوصاً پهلوی اشکانی، مناظراتی نظیر منظومه «درخت آسوریک» که مناظره میان یک بز و درخت خرماست به چشم می‌خورد.

[۲۰] **قیس رازی، شمس‌الدین محمد، المعجم فی معاییر اشعار العجم، تهران، علم، ۸۸، ص ۳۹۰.**

قالب شعری مناظره قصیده است؛ اما مناظره گاهی در قالب **نثر** آورده می‌شود؛ مانند بخشی از «مقامت حمیدی» که در مناظره است: «فی المناظره بین اللاتی و الزانی، فی مناظره السنی و الملحد»

← خالق مناظره در شعر فارسی

مبتکر فن مناظره در **شعر فارسی دری**، «**اسدی طوسی**» سراینده «گرشاسب‌نامه» و «لغت فرس» است.

[۲۱] **رزمجو، حسین، انواع ادبی، تهران، آستان قدس، ۱۳۷۴، چ سوم، ص ۱۳۳.**

مناظرات پنجگانه اسدی، عبارتند از مناظره: «عرب و عجم»، «آسمان و زمین»، «نیزه و کمان»، «شب و روز» و «مغ و مسلمان» است، که در قالب قصیده به رشته نظم درآورده و شاعر در هر کدام گفت‌وگویی را بین دو طرف تخیل کرده و دلایل هر یک را بر ترجیح خود نسبت به دیگری بیان کرده است و سرانجام یکی از آن دو مجلب و مغلوب می‌شود و دیگری پیروز.

[۲۲] **کاشفی سبزواری، میرزا حسین، بدایع الافکار، فی صنایع الاشعار، تهران، مرکز، ۱۳۶۹، ص ۸۲.**

بعد از اسدی طوسی، نوع مناظره در آثار شاعرانی چون **نظامی گنجوی** و مناظرات جالبی در **بوستان** و **گلستان سعدی** مثل «پروانه و شمع» یا «رایت و پرده» و مناظره‌هایی نیز از «**خواجوی کرمانی**» مانند «نمد و بوری» و «نیغ و قلم» به چشم می‌خورد.

← مناظره مغ و مسلمان

ابیات ذیل نمونه‌ای از مناظره مغ و مسلمان است که در آخر با ابطال عقیده مغ پایان می‌گیرد:

مغ آنکھی گفتا ز قبيله من ... به است کز زمی آتش به فضل به بسیار
خدای آتش را ساخت معجزات خلیل ... ندا به دوست کجا گفت در نی، یا نار...
جواب دالم و گفتم: کتون تو فضل زمن ... شنو یکایک و بر حجتم خرد بگمار
زمین چه باشد اگر زیر آتش است که او ... فروتن است و فروتن بدان نباشد عار
زمی است از پی خلقان یکی سباط بسیط ... میان چرخ معلق به قدرت جبار
بدید مغ که زمی به، به قبلیکی ز آتش ... بماند حجتش و عاجز آمد ز گفتار

[۲۳] **صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران، فردوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۰۷-۴۱۳.**

در میان آثار منظوم متأخران هم به منظرات زیبایی چون «چشمه و سنگ» «نی و بلوط» «بط ماده و بطن» «ضمیران و بید» از ملک الشعرای بهار و منظرات فراوانی از «[پروین اعتصامی](#)» برمی‌خوریم. از شاعران معاصر، پروین شاعری است که با قدرت ذوق و ابتکار خاص خود منظرات زیبا و آموزنده‌ای را از زبان اشیا، پرندگان، عناصر [طبیعت](#)، از قبیل سوزن و پیراهن، دیگ و تاوه، مور و مار و ... استنادانه به نظم درآورده است.

[۱۶۱] خالقی، حسین، قطعه و قطعه‌سرایی در شعر فارسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، چ اول، ص ۳۹۸.

← منظره‌ای از پروین اعتصامی

منظره ذیل با عنوان «گنج و درویش»، نمونه‌ای است از منظرات پروین: به غاری تیره درویشی همی خفت ... در آن خفتن به او گنجی چنین گفت که من گنجم، چو خاکم پست مشمار ... مرا زین خاکدان تیره بردار ببر زین گوهر و زر دامنی چند ... بخر پا تابه و پیراهنی چند اما پاسخ درویش، پاسخ شرف و غرور بلندی روح انسانی است که نمی‌خواهد حتی در عین فقر و امکان رسیدن به اشرافیت به [فساد مادی‌گرایی](#) آلوده شود: بگفت: ای دوست ما را حاصل از گنج ... نخواهد بود به غیر از منت و رنج چو می‌باید فکند این پشته از پشت ... زر و گوهر چه یک دامن چه یک مشت مرا افتادگی، [از ادگی](#) داد ... نیفتاد آن که مانند من افتاد

[۱۶۲] رزمجو، حسین، انواع ادبی، تهران، آستان قدس، ۱۳۷۴، چ سوم، ص ۱۳۷.

← منظره‌ای از مولوی

و منظره‌ای از مولوی در غزلیت شمس: سنبله با یاسمین گفت: سلام علیک ... گفت علیک السلام در چمن آی ای فتان

← منظره‌ای از سعدی

و یا سعدی می‌گوید: شبانی با پدر گفت ای خردمند ... مرا تعلیم ده پیرانه یک پند بگفتا نیک مردی کن نه چندان ... که گردد خیره گرگ تیز دندان

[۱۶۳] اسفندیارپور، هوشمند، عروسان سخن، تهران، فردوسی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۵.

پانویس

۱. ↑ دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، موسسه دهخدا، تهران، بی‌تا، ذیل واژه‌ی منظره.
۲. ↑ انواع ادبی، شمیسا، سیروس، تهران، میترا، ۱۳۸۵، ص ۲۲۴.
۳. ↑ مشکوه، محمد، آداب البحث، ج ۱، ص ۲۷، سالنامه پارس، تهران، ۱۳۲۴ ش.
۴. ↑ شریف جرجانی، علی بن محمد، [التعريفات](#)، ج ۱، ص ۱۵، قاهره، [مصطفی البابی الحلبي](#)، ۱۳۵۷ ق.
۵. ↑ [نصیر الدین طوسی](#)، [محمد بن حسن](#)، [اساس الاقتباس](#)، ص ۴۴۸، به کوشش [محمد تقی مدرس رضوی](#)، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ش.
۶. ↑ ابوعلی سینا، حسین بن عبدالله، الشفاء (منطق)، ج ۱، ص ۱۶۱۵، به کوشش احمد فؤاد اهوانی، قاهره، وزاره التربیه و التعليم، ۱۳۷۵ ق.
۷. ↑ [نصیر الدین طوسی](#)، [محمد بن حسن](#)، [اساس الاقتباس](#)، ص ۴۴۸، به کوشش [محمد تقی مدرس رضوی](#)، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ش.
۸. ↑ [نصیر الدین طوسی](#)، [محمد بن حسن](#)، [اساس الاقتباس](#)، ص ۴۵۱، به کوشش [محمد تقی مدرس رضوی](#)، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ش.
۹. ↑ [نصیر الدین طوسی](#)، [محمد بن حسن](#)، [اساس الاقتباس](#)، ص ۴۴۷، به کوشش [محمد تقی مدرس رضوی](#)، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ ش.
۱۰. ↑ قیس رازی، شمس‌الدین محمد، المعجم فی معاییر اشعار العجم، تهران، علم، ۸۸، ص ۳۹۰.
۱۱. ↑ رزمجو، حسین، انواع ادبی، تهران، آستان قدس، ۱۳۷۴، چ سوم، ص ۱۳۳.
۱۲. ↑ کاشفی سبزواری، میرزا حسین، بدایع الافکار، فی صنایع الاشعار، تهران، مرکز، ۱۳۶۹، ص ۸۲.
۱۳. ↑ صفاء، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران، فردوس، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۰۷، ۴۱۳.
۱۴. ↑ خالقی، حسین، قطعه و قطعه‌سرایی در شعر فارسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، چ اول، ص ۳۹۸.
۱۵. ↑ رزمجو، حسین، انواع ادبی، تهران، آستان قدس، ۱۳۷۴، چ سوم، ص ۱۳۷.
۱۶. ↑ اسفندیارپور، هوشمند، عروسان سخن، تهران، فردوسی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۵.

[سایت پژوهی و هم، برگرفته از مقاله «منظور»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۸/۱۰/۰۸.](#)
[دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، برگرفته از مقاله «آداب منظور»، شماره ۱۲۷.](#)

رده‌های این صفحه: [اصطلاحات ادبی](#) | [اصطلاحات منطقی](#) | [منظور ه](#)